



تولد اجباری یا مرگ اختیاری

(بررسی تبعات جرم‌انگاری و جرم‌زدایی از سقط جنین)

رضا مهاجرین*

چکیده

جرم، این واقعیت همیشگی و لاینفک در تحولات زندگی بشری که بنا بر قولی، عمری بسان نخستین اجتماعات انسانی را دارد که گاهی نمودی از جریحه‌دار شدن حس نوع‌دوستی و شفقت در تمامی ادوار تاریخی و گاهی در برهه‌ای از زمان خاص بنا بر یکسری مصلحت‌اندیشی‌ها و ایدئولوژی‌های فرهنگی و سیاسی برای آدمی ایجاد مسؤولیت کرده و پیامدهای آن واکنشی است که از جانب اجتماع به دلیل زیر پا گذاشتن والاترین ارزش‌ها و فضایل مشترک و مورد احترام همه افراد جامعه که متضمن وجدان جمعی است و دیگری، انگ و برچسب مجرم بر فاعل آن و سرانجام تولد بزه‌زده، این شخصیت دورافتاده و کم به‌بازی گرفته شده در درام نمایشی جرم است. فرایند جرم‌زدایی نسبت به کیفرزدایی، پیشینه چشمگیری در ازمنه گذشته نداشته است و شاید عمری در حدود سی، چهل ساله دارد.

اما امروزه، با صدور اعلامیه‌های مبتنی بر صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های فردی و اجتماعی برخی دولت‌های لیبرالیسم، از آن به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست جنایی سود جست‌ه‌اند. در این نوشتار برآنیم که در بخش اول به دلیل پراکندگی مواد مربوط به سقط جنین در قانون مجازات اسلامی به تبیین مواد مربوطه و سپس به بررسی آنچه که منجر به جرم‌انگاری از این پدیده توسط قانونگذار شده است می‌پردازیم و در بخش دوم یک بررسی تطبیقی در نحوه واکنش سایر کشورها در برخورد با سقط جنین و در نهایت دلایلی که نگارنده را در جرم‌زدایی از سقط جنین مجاب کرده پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها

سقط جنین، جرم‌انگاری، جرم‌زدایی، سیاست جنایی، واکنش کیفری.

* دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

1. decriminalisation
2. depenalisation

مقدمه

سقط جنین^۱ یکی از جرایم خاموش اما در عین حال وافر که به‌عنوان معضلی برای تمامی کشورهای که با تورم جمعیت انسانی و فقر و مشکلات سیاسی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و هم در کشورهای مرفعی برای پرداخت بهای احترام به حقوق فردی و حفظ حریم خصوصی، روابط جنسی میان افراد را آزاد گذارده‌اند، موجب دغدغه حقوقدانان و جرم‌شناسان گردیده است.

این جرم از جمله جرایمی است که با انگیزه‌های مختلف چه به‌طور عمدی و غیرعمدی و گاه ضرورت، تحت تأثیر روابط مشروع و پایدار و گاهی هم ناشی از روابط نامشروع و خارج از علقه زناشویی و به‌عنوان یکی از جرایم آپارتمانی، (حجم بسیاری از رقم سیاه^۲ بزهکاری را به‌خود اختصاص داده است) حادث می‌شود. طبق نظریه ارجاع^(۱) به‌لحاظ نحوه ارتکاب جرم، مکان وقوع جرم و عدم رؤیت‌پذیری و به‌لحاظ اشخاص درگیر در این مشارکت جنایی که همگی مجرمند و با در نظر گرفتن خصوصیات بزه‌دیده، خاصیت گزارش‌پذیری کمتری دارد.

از دیگر ویژگی‌های این انحراف اجتماعی آن است که مختص به‌زنان آن هم در سنین پایین به‌شمار برده می‌شود. همین امر باعث گردیده از جایگاهی خاص و محوری در میان فمینیست‌ها آن هم با موضع و جهت‌گیری‌های مختلف در رابطه با سقط جنین برخوردار باشد اما همه آنها در یک مورد با هم متفق‌القول هستند و آن اینکه جملگی سقط جنین را بخشی از یک مبارزه تاریخی به‌مراتب گسترده علیه معنای کلیشه‌ای حفظ کیان خانواده و به‌بهانه احساس مادری به‌منظور کسب حقوق زنان برای سلطه زن بر بدن خویش به‌شمار می‌آورند، جرم‌انگاری از آن را نوعی خشونت علیه زنان می‌دانند.

بررسی حقوقی سقط جنین و علل جرم‌انگاری آن در قانون مجازات اسلامی

در این بخش، ابتدا به‌مطالعه عناصر تشکیل‌دهنده و مجازات‌هایی که قانونگذار برای آن قائل شده می‌پردازیم و در ادامه جهاتی که قانونگذار را در جرم‌انگاری از آن قانع ساخته تا از خود واکنش سختی نشان دهد، تبیین می‌نماییم:

الف) تعریف و ارکان اختصاصی جرم سقط جنین

در قانون مجازات اسلامی، تعریفی از سقط جنین به‌عمل نیامده است. همچنین در کتب و آثار صاحب‌نظران کیفری راجع به‌مفهوم و معنای آن و حتی مجازات متناسب با آن، اتفاق نظری به‌چشم نمی‌خورد.

جنین از نظر لغوی به‌معنای پوشیده و مستور می‌باشد و هر دو کلمه سقط و جنین از لغات عربی هستند، همچنین به‌معنای بچه نارس و مرده‌ای که پیش از فرا رسیدن هنگام تولد از شکم مادر بیفتد.^(۲)

اما در اصطلاح پزشکی هم به‌همان معنای مذکور اشاره شده است. بدین مضمون، اخراج حاصل باروری از رحم در حالی که موجود تکوین یافته قادر به‌زندگی در خارج از رحم نیست و معمولاً تا هفته بیستم حاملگی، عنوان سقط جنین پیدا می‌کند.^(۳)

1. abortion

2. Hiddenpart of criminality/Dark number

اما در اصطلاح حقوقی که سقط حمل هم گفته می‌شود عبارت است از اخراج قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده و یا قابل زیستن نباشد.^(۴)

پروفیسور گارو در تعریف آن گفته است: «اخراج عمدی و قبل از موعد زایمان». گارسون حقوقدان دیگر فرانسوی، سقط جنین را منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری تعریف کرده است.^(۵)

فقه‌های اسلامی تعریفی از آثار خود از آن به عمل نیاورده‌اند و فقط به مراحل مختلف حمل و ذکر مجازات آن بسنده کرده‌اند. به عبارت دیگر، یک مجازات تدریجی براساس نوع حمل از نظر تکامل بسنده کرده‌اند و شاید به همین دلیل باشد که در قانون مجازات اسلامی نیز تعریفی از آن به عمل نیامده است.

حقوقدانان اسلامی، حیات جنینی را به دو دوره متمایز از یکدیگر تقسیم کردند و دو رویکرد متفاوت نسبت به آن از خود نشان دادند، به طوری که ملاک خود را حلول و تبلور روح در جنین قرار دادند.^(۶) به همین دلیل قانونگذار ما هم به تبعیت از کتب فقهی حیات جنینی و مجازات مرتبط، آن را به دو مرحله: یکی قبل از حلول روح یعنی از زمان استقرار نطفه در رحم زن تا هنگامی که روح در جنین دمیده نشده است از ۲۰ تا ۱۰۰ دینار مقرر کرده. با این توضیح که در این مرحله میان دختر و پسر تفاوتی از نظر مجازات قائل نشده است. اما در مرحله دوم، یعنی زمانی که روح در بدن جنین پدیدار شده واکنشی متفاوت از خود نشان داده است. البته گروهی از فقها زمان شروع این دوره از پروسه تکامل جنینی، اعتقاد به گذشتن زمان و برخی دیگر پایان مرحله تکوین و ظهور اعضای مختلف بدن می‌دانند.

عنصر قانونی جرم مزبور با اصلاحاتی که پس از انقلاب در قوانین کیفری ایجاد شد، ابتدا مواد ۹۰ و ۹۱ تعزیرات و همچنین موادی از قانون دیات را به خود اختصاص داده بود. لیکن در سال ۷۵ با بازنگری و اصلاح در مواد مذکور از مواد ۴۸۷ الی ۴۹۳ و همچنین مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ ق.م.ا و مواد ۷۱۵ و ۷۱۶ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ با سه واکنش متفاوت، یکی سقط جنین مستوجب قصاص و سقط جنین مستوجب دیه و سقط جنین مستوجب تعزیر مواجه می‌شویم که در مباحث آتی به ایضاح مواد مذکور می‌پردازیم.

در خصوص عنصر مادی باید گفت که رفتار فیزیکی آن، بیشتر با ارتکاب فعل مثبت و گاهی با استفاده از وسایل شیمیایی همچون دارو، آمپول و گاهی بصورت فیزیکی همانند کورتاژ یا ایراد ضربه به عمل می‌آیند. البته این جرم ممکن است به صورت ترک فعل و سلبی نیز بوقوع پیوندد، به عبارت دیگر چنانچه شخصی حتی غیر از مادر، تعهد و مسؤولیت مراقبت از آن را داشته باشد و به طور تسبیب مبادرت به از بین بردن آن کند.^(۷)

از شرایط و اوضاع و احوال مؤثر در جرم مزبور، وجود جنین در رحم مادر است. به عبارت دیگر لازمه تحقق جرم سقط جنین، وجود جنین در تمامی مراحل مختلف تکامل می‌باشد. پس اگر چنانچه زن اصولاً حامله نباشد، عمل عامل جرم نخواهد بود و شخصی که به تصور اینکه زنی حامله است، مبادرت به عملیاتی کند مجازات نخواهد شد. به بیانی دیگر، جرم محال نسبی ناشی از موضوع خواهد بود.

اما شرایط دیگر تحقق آن، زنده بودن جنین در شکم مادر می‌باشد. پس جنین قبل از انجام عملیات مجرمانه باید مراحل تکوینی رشد را در حال سپری کردن بوده باشد. بنابراین اگر جنینی به هر علتی در شکم مادر مرده باشد

و پس از مرگ، شخص مبادرت به فراهم ساختن اسقاط و از بین بردن جنین نماید، عمل مزبور جرم محال مطلق ناشی از موضوع می‌باشد که خوشبختانه با توجه به اختلاف نظرهای مختلفی که میان حقوقدانان با توجه به معیار حالت خطرناک و برهم خوردن نظم عمومی وجود دارد، قانونگذار ما آن را جرم تشخیص نداده است.

از دیگر شروطی که سبب مجرم شناختن شخص یا اشخاص به سقط جنین می‌گردد، اخراج قبل از موعد طبیعی زایمان می‌باشد، به طوری که جنین از بین رفته باشد. پس چنانچه جنین پس از اخراج از رحم زنده بوده باشد - بیشتر در دوران بعد از ۷ ماهگی صورت می‌گیرد - می‌توان گفت جرم صورت نگرفته و عمل مزبور، جرم عقیم می‌باشد. البته گروهی آن را شروع به سقط جنین دانسته‌اند که در رد این نظر می‌توان گفت جنین حتماً باید طبق ماده ۴۸۷ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ مرده از رحم خارج شود و اگر جنین زنده به دنیا آید کلمه سقط بر آن صدق پیدا نمی‌کند. ولی اگر پس از زنده به دنیا آمدن جنین اقدام به کشتن آن نمایند دیگر قتل عمد است و نه سقط جنین. نکته دیگر آنکه اگر چیز دیگری غیر از جنین از رحم زن خارج شود که منشأ انسان بوده و آن طبق نظر پزشکی قانونی رد شود، هیچ‌گونه مجازاتی بر آن مرتب نیست ولی اگر در اثر آن صدمه‌ای به مادر وارد شود، نسبت به آن ضامن است. جرم سقط جنین، جرمی مقید به حصول نتیجه است. به بیانی دیگر آنچه را که جانی قصد کرده است باید حاصل شود. این جرم از جمله جرایمی است که علاوه بر مباشر برای معاونت آن جرمی مستقل قائل شده است. به طوری که ماده ۶۲۳ مقرر می‌دارد:

«هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسائل دیگری موجب سقط جنین گردد، به ۶ ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسائل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از ۳ تا ۶ ماه محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم پرداخت دیه مطابق مقررات مربوطه داده خواهد شد».

اما در قسمت پایانی ماده، جواز اسقاط جنین به منظور حفظ حیات مادر با توجه به مبنای حقوقی قاعده اهم و با در نظر گرفتن اصول حاکم بر نظام حقوق کیفری، آن را از علل موجهه جرم فرار داده و هیچ‌گونه مسؤلیتی چه از نظر حقوقی و چه از نظر کیفری برای آن قائل نشده است.

قانونگذار ما برای گروه صنفی خاص و با توجه به نوع فعالیت شغلی آنان از اصل فردی کردن تقنینی مجازات‌ها از نوع تشدید بهره‌جسته، به طوری که در ماده ۶۲۴^۱ مجازاتی سنگین‌تر نسبت به افراد عادی قائل شده است. اما عنصر روانی جرم مدنظر هم به صورت عمدی و هم غیر عمدی صورت می‌گیرد. در اسقاط جنین به طور عمدی شخص با داشتن اراده نسبت به عمل خود و با آگاهی نسبت به باردار بودن زن و با قصد از بین بردن جنین و گذر از مرحله مقدماتی و ورود به عملیات اجرایی، آنچه را که خواسته به دست می‌آورد. طبق ماده ۶۲۲^۲ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ چنانچه شخص هم قصد فعل و هم قصد نتیجه برای تلف کردن جنین را داشته و به طور مستقیم و

۱. ماده ۶۲۴: (اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و یا اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهند شد و حکم پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت)

۲. ماده ۶۲۲: (هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا ازیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهد شد)

یا غیرمستقیم دست به اقدامات مجرمانه بزند، اگر روح در کالبد جنین حلول شده باشد به جرم قتل جنین قصاص خواهد شد؛ حتی اگر مادر طفل باشد. در غیر این صورت یعنی چنانچه هنوز حمل در دوران تکامل خود قبل از دمیده شدن روح باشد، شخص به دیه مقرر در ماده ۴۸۷ محکوم خواهد شد. چنانچه سقط جنین را به نحو تسبیت انجام دهد به مجازات حبس تعزیری محکوم می‌شود. پس می‌توان گفت که قانونگذار در تمامی مراحل تکوین یعنی از همان آغاز استقرار و انعقاد نطفه تا زمان قبل از تولد اقدام به جرم‌انگاری از سقط جنین با رویکردهای متفاوت از خود نشان داده است.

اما در سقط جنین غیر عمدی که می‌توان با توجه به مرتکب آن یا با توجه به تقصیر جزایی و یا ناشی از تخلفات رانندگی به سقط جنین در حکم خطای محض و یا سقط جنین شبه عمد و یا خطای محض و غیر عمدی تقسیم‌بندی کرد، طبق تبصره یک ماده ۲۹۵ کلیه جنایاتی که توسط دیوانه و یا شخص نابالغ چه به صورت عمد و چه به صورت خطای جزایی صورت بگیرد، به منزله خطای محض تلقی می‌شود. پس چنانچه شخص دیوانه یا صغیری سبب اسقاط جنین به هر نحوی شود، جنایت آنها در حکم خطای محض است و طبق ماده ۲۲۱ ق.م.ا عاقله آنها موظف به پرداخت دیه می‌باشند.

اما در مورد شبه‌عمد که جانی قصد فعل را دارد ولی فاقد قصد نتیجه است و فعل ارتكابی عرفاً از چنان خصوصیتی برخوردار نیست که بتوان قصد مجرمانه را به طور تبعی از فعل یا ترک فعل او مفروض قلمداد، کرد و در خطای محض شخص نه قصد فعل و نه قصد جنایت را روی زن و حمل دارد و سرانجام عملش از جانب هر فرد متعارفی قابل تصور نبوده است، در این گونه موارد طبق ماده ۴۹۲^۱ مسئول پرداخت دیه با توجه به معیارهای موجود در ماده ۴۸۷^۲ پیش‌بینی شده است.

در سقط جنین ناشی از تصادفات رانندگی که در ماده ۷۱۵ قانون تعزیرات به آن اشاره شده است این گونه اشعار می‌دارد که برای شخصی که به خاطر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی در رانندگی سبب جنایتی بر زن و حمل او شود، به مجازات حبس از ۲ ماه تا یک سال و در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود. اما در ماده ۷۱۶ به وضع حمل قبل از موعد طبیعی زایمان اشاره نمود. که مجازات ۲ تا ۶ ماه حبس و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا مصدوم را به شخص مجرم تحمیل کرده است. نکته آخر اینکه در تمامی موارد فوق وجود رابطه علیت میان تقصیر جزایی با فعل ارتكابی و صدمه وارده باید محرز شود.

ب) بررسی عوامل مؤثر در جرم‌انگاری از سقط جنین در قانون مجازات اسلامی

در سیاست جنایی ایران بر طبق نظریه حاکمیت الهی^(۹) و اینکه خداوند در طول تاریخ قوانینی برای راهنمایی جامعه

۱. ماده ۴۹۲: (دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه‌عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد)

۲. ماده ۴۸۷: دیه سقط جنین به ترتیب زیر است: ۱- دیه نطفه که در رحم مسقر شده ۲۰ دینار ۲- دیه علقه که خون بسته است ۴۰ دینار ۳- دیه مضه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار ۴- دیه جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان و هنوز گوشت نرویدده است ۸۰ دینار ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده ۱۰۰ دینار تبصره: در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی‌باشد ۶- دیه جنینی که روح در آن پیدا شده اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد ۳ ربع دیه کامل خواهد بود.

بشری فرو فرستاده که آخرین و کامل‌ترین آنها اسلام می‌باشد و اصل چهارم قانون اساسی که کلیه قوانین جمهوری اسلامی بر اساس موازین اسلامی و علی‌الخصوص مذهب جعفری می‌باشد، پس خط‌مشی قانونگذاری ما براساس قرآن و کتب و فتاوی شهیر فقهای امامیه و باورهای مستحکم دینی و عرف اسلامی می‌باشد.

در قرآن کریم آیات ۱۲ تا ۱۵ سوره مؤمنین و در آثار فقهی معتبر، سقط جنین را گناه شمرده و نه تنها برای آن مجازات، بلکه کفاره نیز در نظر گرفته شده است.

در فلسفه کیفری و تعامل آن با علم اخلاق وقتی صحبت از گناه و نوع رابطه منطقی آن با جرم می‌شود شاهد نظرات گوناگون در دوره‌های مختلف با توجه به‌نوع تفکر و اندیشه حاکم بر آموزه‌های موجود در آن دوره هستیم. در فقه اسلامی دامنه حقوق کیفری را بر اساس اخلاقیات جامعه و آنچه در منابع اربعه به‌عنوان گناه از آن یاد شده، بسط داده، به‌بیان دیگر می‌توان گفت از حقوق کیفری به‌مثابه بازوهایی برای حمایت در پیشبرد اهداف خود بهره جسته است.

حقوقدانان اسلامی، سقط جنین را رفتاری غیراخلاقی شمرده که قوام و استحکام جامعه را بر هم می‌زند. به‌عبارت دیگر چون از نظر قانونگذار ما، سقط جنین با اخلاق مشترک جامعه در تعارض است و از طرف دیگر نقض این قاعده اخلاقی در جامعه به‌حدی است که تأثیر سوء آن بر پیکره جامعه جبران‌ناپذیر می‌باشد، از اینرو با قائل شدن آن به‌عنوان یک وصف مجرمانه می‌تواند از کراهت و آسیبهایی که از آن ناشی می‌شود مقابله به‌عمل آورد. به‌عبارت دیگر با توجه به‌تمایزات موجود بین حقوق کیفری و علم اخلاق، در این نقطه با یکدیگر خلط شده‌اند و شاید بتوان گفت قانونگذار جزا را به‌عنوان مددکاری برای اجرا و توسعه اصول اخلاقی و حفظ ارزش‌های والای انسانی استفاده کرده است. همچنین برای توجیه مبانی اخلاقی و مذهبی سقط جنین می‌توان گفت هنوز برای انسان آنقدر اختیار قائل نشده که نه‌تنها در جسم خود دخالت کند بلکه جواز دخالت در خلقت انسان دیگری نیز متعاقباً از او سلب شده است. چرا که حق حیات به‌عنوان اولین موهبت و بزرگ‌ترین نعمتی می‌باشد که خداوند به‌اشرف مخلوقات داده است و هیچ موجود دیگری حق ندارد در آن دخالت کرده و این حق را از انسان بگیرد. از نظر فقها، تمامی افراد جامعه دارای ارزش و حقوق یکسان هستند و فقط اشخاصی که مهدورالدم باشند خونشان قابل احترام نیست و هلاک آنها امری مباح تلقی می‌شود. پس در اینجا ما با جنینی روبرو هستیم که از نظر اسلام از بین بردن آن به‌دلیل محقوق‌الدم بودن، هیچ‌کس جواز از بین بردن آن را ندارد، حتی اگر مادر آن از نظر موازین فقهی مهدورالدم باشد. به‌همین خاطر می‌باشد که در قانون ما تفاوتی بین سقط جنین ناشی از عمل مشروع و یا فعل حرام قائل نشده است.^۱

از دیگر عواملی که سبب شده تا قانونگذار اقدام به‌جرم‌انگاری از سقط جنین کند، حفظ بقای کیان خانواده است. در کشور ما بر حفظ و تحکیم خانواده به‌عنوان یک نهاد دینی و اجتماعی با مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های موجود در آن و اهمیت بسزایی که در جامعه دارد، تأکید بسیاری شده به‌طوری که تشکیل خانواده را سنت پیغمبر و تکلیف مقدسی به‌حساب آورده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای تشکیل خانواده تولیدمثل و تربیت فرزندان می‌باشد، به‌طوری که همه روزه به‌بهانه‌های گوناگون در جامعه از آن به‌عنوان یک ارزش برای جوانان تبلیغ

می‌شود. در جامعه‌ای که بر اساس موازین اسلامی پایه‌ریزی شده است، خانواده به‌عنوان اولین هسته تشکیل‌دهنده اجتماع که در دامن آن می‌توان شاهد تحولات فکری و فرهنگی و تولید علم و ممانعت از فحشا و توسعه اجتماعی باشیم، حفظ کیان و احترام و صیانت از اهدافی که دولت از تشکیل و تجدید حیات آن دنبال می‌کند، می‌توان گفت که سقط جنین با هیچ‌کدام از منظورها و اهدافی که دولت از نهاد خانواده انتظار دارد، همسویی ندارد و آن را عاملی برای تزلزل این نهاد اجتماعی می‌داند.

یکی دیگر از دلایل حمایت کیفری از سقط جنین را باید در نوع و شخصیت مجنی‌علیه دانست. در مسئله پیشرو ما با یک بزه‌دیده بالقوه یا مخفی روبه‌رو هستیم.^(۱۱) به‌عبارت دیگر قانونگذار به‌دلیل اینکه جنین قدرت دفاع از خود را ندارد و استعداد خاصی برای بزه‌دیده شدن دارد و با توجه به‌مباحث موجود در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی^(۱۲)، قانونگذار سعی در دفاع و حمایت از کمترین حقوق فردی جنین کرده و نقشی پدرا نه و قیم‌مآبانه برای خود قائل شده است.

همیشه دو نگرش کلی در ملاک‌های قانونگذاران و جهت‌گیری‌های حقوقدانان و فلاسفه از آزادی به‌معنای واقعی کلمه نقشی عمده بازی کرده که یکی اصالت فرد و دیگری اصالت جامعه است.

از نظر افرادی که فرد را محور جبهه‌گیری‌های خود قرار داده‌اند، هدف حقوق تأمین منافع افراد یک جامعه است. در مقابل آنها کسانی هستند که قائل به‌اصالت اجتماع می‌باشند و اعتقاد دارند که ارزش فرد، تنها در قالب اجتماع متجلی می‌شود و فرد بدون اجتماع قابل تصور نیست. و زندگی اجتماعی به‌افراد تحمیل شده است نه اینکه آنها این نوع سبک زندگی را انتخاب کردند. به‌همین خاطر هدف از حقوق، حمایت از اجتماع و دفاع از ارزش‌های والای جمعی است. قانونگذار ما نیز نفع عمومی و نظم اجتماعی را همیشه بر حقوق فردی ارجح دانسته و تأمین منافع اجتماعی را به‌عنوان یکی از اصول کاربردی خود در جرم‌انگاری مدنظر قرار داده است. در نتیجه آنچه قانونگذار را به‌غیرقانونی دانستن سقط جنین سوق داده است حفظ و صیانت از نسل بشری برای زندگی گروهی و در یک نگاه کلان، دفاع از اجتماع با مستحکم کردن بافت‌های خرد جامعه و پیشگیری از تزلزل یا متلاشی شدن نهادهای اجتماعی می‌باشد.

همان‌طور که گفتیم سقط جنین از جمله جرایمی می‌باشد که درصد کشف آن نسبت به‌سایر جرایم بسیار پایین است و در رقم سیاه بزه‌کاری همیشه می‌توان برای سقط جنین مانور داد. از طرف دیگر قوانینی که اثر کاربردی کمی دارند و فقط در سیاهه جرایم نوشته شده‌اند و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، به‌مرور زمان متروک شده و جزو قوانین مرده به‌حساب می‌آیند. شاید گزاف نگفته‌ایم که جرم سقط‌جنین از این قسم جرایم به‌شمار می‌آید. باید اذعان داشت که این بلیه از دیدگان قانونگذار ما پوشیده نبوده و آنها نیز به‌این امر واقفند. اما آنچه مهم است اینکه مقصود از جرم‌انگاری در این مورد بیشتر جنبه اعلامی و اخباری داشته است تا واکنشی.^(۱۳) به‌عبارت دیگر، قانونگذار در سقط جنین موضع خود را در قبال آن مشخص و آن را به‌عنوان یک انحراف اجتماعی به‌حساب آورده و دیدگاه خود را نسبت به‌این پدیده برای مخاطبین روشن کرده و علناً مخالفت خود را با آن اعلام داشته است. و شاید بتوان ادعا کرد که خود آگاه بوده است که نمی‌تواند از وقوع آن پیشگیری و از تکرار آن جلوگیری و مرتکبین

آن را سرکوب کند.

مطالعه تطبیقی در سقط جنین و تبعات جرم‌زدایی از آن

در این بخش ابتدا به بررسی سقط جنین در نظام‌های مختلف حقوقی موجود در دنیا و رویکردهایی که نسبت به آن اعمال می‌شود، نگاهی اجمالی می‌اندازیم و در آخر آنچه را که می‌تواند به‌زدودن انگ مجرمانه از این انحراف به‌عمل آورد به‌بحث خواهیم کشید.

الف) مطالعه تطبیقی در جرم سقط جنین

من نهایت احترام از زمان تشکیل نطفه برای حیات بشری قائم^(۱۴). (بیانیه انجمن جهانی پزشکان، ژنو، ۱۹۴۸) سقط جنین امروزه به‌عنوان مشکلی بگرنج و پدیده‌ای اجتماعی - اخلاقی نه فقط در جوامع امروز بلکه با مطالعه در تاریخ عبث نیست اگر گفته باشیم که در تمامی اعصار تاریخی ذهن بشر را به‌چالش کشیده و دغدغه‌خاطر برای نظام‌های حقوقی در فراخور ارزش‌ها و اصول و مبانی حاکم بر آن جامعه بوده است.

در آیین زرتشت از گناهان کبیره و بسیار ناهنجار، مسئله سقط جنین بوده است. در اوستا به‌جنین کمتر از ۴ ماه و ۱۰ روز چندان اهمیت داده نمی‌شد، بلکه بعد از این ایام یعنی بعد از دمیده شدن روح در بدن برای آن مجازات تعیین می‌شد. همچنین در این کتاب آمده است (من به‌هیچ زنی اجازه به‌کار بردن وسایل سقط جنین را نمی‌دهم)^(۱۵)

در سفر خروج باب ۲۱ آیات ۲۲ الی ۲۴ به‌مسئله سقط جنین اشاره کرده است. با اختلاف‌نظرهایی که درباره اصطلاح جان به‌عوض جان، به‌عمل آمده، ماحصل آن این شده که عده‌ای صرفاً اندیشه‌ای شبیه به‌قصاص نسبت به آن داشته باشند و به‌تعبیر امروزی، کیفرزدایی را بیان دارند. همچون دیده‌ای که شوهر برای جنین زنش مطالبه می‌کند.

در آیین مسیح نیز میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها اختلافاتی در مورد سقط جنین به‌چشم می‌خورد. مخالفت تعصب‌آمیز کلیسای کاتولیک روم با سقط جنین بر کسی پوشیده نیست، حتی آنها با سقط جنین طبی نیز مخالف هستند، اما پروتستان‌ها همانند یهودیان با سقط جنین درمانی موافقتند. کاتولیک‌ها یکی از پایه‌های مخالفت خود با سقط جنین را این‌گونه بیان می‌دارند که کودکی که بدون غسل تعمید بمیرد نمی‌تواند وارد بهشت شود و خطامشی^(۱۷) آنها را بیانیه پایوس^(۱۸) (فرمان علیه قتل) تشکیل می‌دهد.

در ماده ۲۰۹ حمورابی می‌خوانیم اگر کسی دختر دیگری را مورد ضرب قرار دهد و موجب سقط حمل او شود، باید ۱۰ شاکل نقره بابت آن بدهد. هرچند در موارد بعد میان دختر فرد آزاد و مضروب کنیزه برخلاف اصل تساوی مجازات‌ها بر خوردی متفاوت از خود نشان نمی‌دهد.

همچنین در لوح A ماده ۵۰ آشوری و ماده ۱۷ قانون هیتی‌ها و لیبیت اشتهاز ماده D . F، نمودهایی از سقط جنین را می‌توان ملاحظه کرد.

اما حکما و فلاسفه یونان و روم قدیم، نگرش‌های مختلف را در مورد سقط جنین از خود نشان دادند سقراط، سقط جنین با رضایت مادر را جایز می‌دانسته ولی بقراط در سوگندنامه خود این اختیار را چه از زن و چه از پزشکان سلب کرده است و ارسطو در صورتی آن را جایز دانسته که مادر اولاد زیاد داشته است.^(۳۰)

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سقط جنین در اکثر کشورهای دنیا غیرقانونی اعلام شده بود، در ایالات متحده آمریکا بین سال‌های ۱۸۲۰ الی ۱۹۶۰ در تمامی پنجاه ایالت سقط جنین ممنوع و حتی به‌خاطر خطراتی که برای مادر از آن محتمل بود، حتی تعصبی‌ترین فمینیست‌های آن دوره همچون سوزان آنتونی هم با آن مخالف بودند. بعد از جنگ جهانی دوم و تلاش‌های مستمر فمینیست‌ها، سقط جنین در موارد ضروری مانند خطر جانی برای مادر و یا حاملگی در اثر تجاوز یا زنا با محارم و نقص جنین قانونی اعلام گردید. تا اینکه در سال ۱۹۷۳ دادگاه تگزاس طی حکمی که در پرونده‌ای در مورد سقط جنین که به‌دادگاه عالی آمریکا ارجاع داده بود بر اساس بند ۹ قانون اساسی آن کشور، اصل حفاظت از حریم خصوصی افراد اکثر قوانین ایالتی سقط جنین را برخلاف قانون اساسی اعلام کرد که با مخالفت شدید کلیسای کاتولیک روبه‌رو شد و حتی منجر به تشکیل گروه‌های حامی انتخاب و در پی آن کشمکش و درگیری بین مخالفین و موافقین سقط جنین شد که هنوز هم ادامه دارد.

در انگلیس با تصویب لایحه قانونی سقط جنین ۱۹۶۷ ابتدا به‌تفکیک سقط جنین و بچه‌کشی می‌پردازد و سپس اشعار می‌دارد، چنانچه ادامه بارداری، حیات زن را به‌مخاطره افکند یا سبب آسیب‌های جسمانی و روانی به‌زن یا فرزندان او گردد و اگر کودک احتمالاً پس از تولد دچار نقص‌های جسمی و روانی باشد، فقط توسط پزشک و درمانگاه‌های مجاز و با تأیید دو پزشک دیگر و به‌شرطی که این عمل با حسن‌نیت انجام شود، جرم نیست.

در کشورهایی مانند شوروی سابق و چین که با مشکلات رشد جمعیت دست‌به‌گریبان هستند و عمده سیاست‌های دولت در جهت مبارزه با تراکم جمعیت می‌باشد، سقط جنین به‌طور کلی آزاد می‌باشد. در ژاپن نیز با توجه به‌علل اجتماعی و اقتصادی قائل به‌آزادی سقط جنین شده‌اند مشروط بر اینکه توسط افراد متخصص و در بیمارستان‌های مجاز مقرر شده صورت گیرد.^(۳۱)

در آلمان نیز سقط جنین تا قبل از دوازدهمین هفته بارداری آزاد است و در دانمارک نیز زن مجاز به‌سقط جنین می‌باشد، لکن نیاز به‌تحصیل اجازه قبلی از مراجع صلاحیت‌دار و وجود حالت ضرورت الزامی است.^(۳۲)

وزیر بهداشت فرانسه در هنگام دفاع از لایحه آزادی سقط جنین اعلام نمود که در کشور فرانسه با وجودی که دولت این عمل را منع نموده، اما می‌بینیم که سالانه حدود سیصد هزار زن اقدام به‌سقط جنین غیرقانونی می‌کنند و این امر نشان می‌دهد که قبح اجتماعی و نتیجتاً خصیصه کیفری این پدیده در میان مردم هر روز کمتر می‌شود. در ترکیه نیز سقط جنین بدون هیچ قید و شرطی مجاز شمرده شده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت موج دوم که با نگرش جدید نسبت به‌پدیده سقط جنین پس از جنگ جهانی دوم و توجه بیش از پیش دولت‌ها به‌حقوق و آزادی‌های فردی و توجه به‌حقوق حریم شخصی و پیدایش مکاتب واکنش اجتماعی که بیشتر با نگاهی انتقادی - فلسفی به‌هیأت‌حاکمه‌علی‌الخصوص تلاش‌های فمینیست‌های لیبرالیست طی دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در تمامی کشورهای اروپایی یا به‌طور مطلق حکم بر آزاد بودن سقط جنین داده‌اند یا آن

را قانونمند ساختند. یعنی بین دو فرایند جرم‌زدایی و جرم‌انگاری حد وسط را گرفته و آن را در ساختار و چهارچوب قانون ضابطه‌مند ساختند. کشورهای همچون پرتغال و اسپانیا، ایتالیا و به‌دنبال آنها کشورهای استرالیا، مکزیک، پاکستان، الجزایر از این سیاست مختلط و میانه‌رو بهره جستند. اما در مقابل دو نظام حقوقی قبلی، کشورهای هستند که سقط جنین را مطلقاً جرم انگاشته و هیچ‌گونه اغماضی از خود نشان ندادند. واتیکان و کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند گواتمالا، هنگ‌کنگ و فیلیپین از این جمله‌اند^(۳۳)

جرم‌انگاری مطلق سقط جنین را در کشورهای اروپایی مثل رومانی، یونان و حتی ایرلند می‌توان مشاهده کرد. جالب آنکه در کشوری همانند ایرلند این امتیاز را برای زن قائل شدند تا برای سقط جنین به‌انگلیس سفر کنند. در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد طی یک پژوهش جهانی در کشورهای مختلف در خصوص تجویز سقط جنین و عمده دلایل آن این‌گونه بیان می‌دارد:

- ۱- به‌منظور حفظ جان مادر؛
- ۲- حفظ سلامت جسمانی زن؛
- ۳- حفظ سلامت روانی زن؛
- ۴- وضعیت جنین‌های ناشی از عنف و یا زنا با محارم؛
- ۵- ناقص بودن جنین؛
- ۶- مشکلات اقتصادی و اجتماعی؛
- ۷- به‌درخواست و رضایت خود زن.

مطابق این تحقیق از میان ۱۹۳ کشور جهان، ۱۸۹ کشور سقط جنین را برای حفظ جان مادر مجاز دانستند. سقط جنین به‌دلیل حفظ سلامت جسمانی زن در ۱۲۲ کشور قانونی و در ۷۱ کشور غیرقانونی بوده است. سقط جنین برای حفظ سلامت روانی زن در ۱۲۰ کشور جایز و در ۷۳ کشور غیرقانونی می‌باشد. سرانجام باید گفت امروزه بیش از ۲۶ درصد مردم دنیا در کشورهایی زندگی می‌کنند که سقط جنین را به‌کلی ممنوع دانسته یا تنها در موارد خیلی خاص، سقط جنین را قانونی کردند.

ب) جرم‌زدایی از سقط جنین و تبعات آن

سقط جنین از جمله جرایمی است که به‌دلایلی مانند عدم آگاهی از تنظیم خانواده یا روابط جنسی نامشروع و خارج از علقه زناشویی، مخفی نمودن ارتباطات جنسی ممنوع، اطلاع از معیوب بودن جنین و یا گریز از بارداری ناخواسته یا هتک ناموس به‌عنف و گاه به‌دلیل عدم توانایی و امکان نگهداری طفل از لحاظ اقتصادی و فقر و یا به‌دلیل داشتن فرزندان زیاد و یا جدایی والدین و توافق طرفین برای سقط جنین و گاهی هم به‌اصرار یکی از طرفین برای عدم آمادگی جهت قبول فرزند یا نداشتن حس مادری صورت می‌پذیرد.

از آنچه گفته شد پر واضح است این جرم به‌انگیزه‌های مختلف که در برخی موارد هم شرافتمندانه می‌باشد، تحقق می‌یابد و این در حالی است که از نظر قانونگذار ما، انگیزه تأثیری در عناصر تشکیل‌دهنده جرم ندارد و فقط

طبق بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی از مصادیق کیفیات مخففه قضایی به حساب می‌آید، به بیان دیگر برای قانونگذار ما هیچ تفاوتی بین سقط جنین ناشی از روابط زناشویی و پایدار خواسته و ناخواسته و یا هتک ناموس به‌عنف وجود ندارد!!

در گزارش جرم‌زدایی از جرم توسط کمیته اروپایی^(۲۴) مسائل مربوط به جرم را این‌گونه آورده است: «انباشتگی رو به‌افزایش داده‌های پژوهشی و تأملات نظری دانش‌پژوهان علوم اجتماعی، علوم رفتاری و علوم قضایی و نیز یک انگیزش جدید لیبرال و بشردوستانه که در جوامع بشری در حال نیرو گرفتن است، بینش‌های نوینی را به‌مسئولان نظام‌های کیفری در خصوص نقاط ضعف که در جرم‌انگاری‌ها و برداشت‌هایی که از جرم داشته‌اند، داده است.»

امروزه دیگر دامنه اخلاقیات و حقوق کیفری خیلی کمتر از گذشته با هم تلاقی پیدا کرده است، به‌گونه‌ای که بسیاری از جرایم دیگر از لحاظ اخلاقی فاقد قبح و زشتی اجتماعی هستند. به‌نظر نگارنده سقط جنین در هنگام بارداری ناخواسته و یا بارداری ناشی از تجاوز به‌عنف رفتاری غیراخلاقی به‌حساب نمی‌آید؛ درست است که در هر حال شانس بالقوه زندگی از یک انسان گرفته می‌شود ولی در هیچ‌کدام از دو مورد نمی‌توان حس مادر شدن را به‌شخص آن هم به‌دلیل والا بودن و ارج مقام مادر و هزاران فضایل انسانی و اخلاقی دیگر به‌شخصی که نمی‌خواهد این حس را داشته یا مجدداً تجربه کند، تحمیل کرد و حتی سقط جنین در این‌گونه موارد از نقطه نظر اجتماعی نه‌تنها مذموم نیست، بلکه از آن دفاع هم می‌کند و اعمال مجازات نسبت به این‌گونه مجرمین را دآوری ناعادلانه به‌حساب می‌آورند و نباید فراموش کنیم که توفیق حقوق و جزا در حمایت اجتماعی و قبول و باور آن توسط مردم آن هم در یک جامعه مردم‌سالار است.

به‌عبارت دیگر زمانی مواد مربوط به سقط جنین را می‌توان موفق دانست که حداقل توانسته باشد در تکرار از آن جلوگیری و یا مرتکبین آن را اصلاح و تربیت کند تا مجدداً فکر تکرار آن را رأساً یا با سپردن خود به‌اشخاص دیگر نپروارند. در این میان باید به‌حرفه پزشکی و ماماها اشاره کرد. بار سنگین و در عین حال نامناسب و غیرعادلانه‌ای را بر دوش می‌کشند و شاید کمتر طبیب و مامایی باشد که ضمن سروکار داشتن با مادران باردار در مقابل این مشکل ناخوشایند و دشوار قرار نگرفته باشد، از یک طرف زنی که به‌دلیل یا دلایل منطقی و روشن در کمال نومییدی و اضطراب خواهان سقط جنین می‌باشد و از طرف دیگر قوانین حاکم بر جامعه راه هرگونه همکاری با این زن را سد می‌کند، در این‌گونه موارد پزشک از لحاظ اخلاقی، شرعی و حقوقی دچار چنان درگیری و تعارض روحی و ذهنی می‌شود که زن را به‌دست تقدیر می‌سپارد تا در شرایط نامناسب و غیربهداشتی مجبور به سقط جنین شود یا خودش اقدام به‌این عمل کند و مشکلات و عواقب تصمیم خودش را به‌جان بخرد «نظریه حسابگری جزایی»^(۲۵)

یکی از تأثیرات جرم‌انگاری از سقط جنین، روی آوردن زنان به‌مراکز غیربهداشتی و افراد غیرمتخصص با هزینه‌های گزاف می‌باشد و باید معترض شد که بیشتر زنانی دست به‌چنین اقدامی می‌زنند که میانگین سنی آنان ۲۳ سال و گاهی هم کمتر است که نه‌تنها با مشکلات و عوارض جسمانی و روانی - بعداً به‌آن اشاره خواهیم کرد - روبه‌رو می‌شوند، بلکه گاهی اوقات مورد سوءاستفاده جنسی و تقاضاهای نامشروع از جانب کسانی که از این واقعه

خبر دارند برای رازداری و حق سکوت و یا به‌منظور کمک به آنها قرار می‌گیرند و حتی گاهی مشاهده شده که وقتی زن در دوران نامزدی باردار شده، از سوی آن مرد به‌انحای مختلف مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. علاوه بر آنچه گفته شد یکی دیگر از تبعات سوء جرم‌انگاری از سقط جنین، زیرزمینی شدن آن می‌باشد که آن را تبدیل به جرمی تاریک و بالا رفتن رقم سیاه بزهکاری و شکاف هرچه بیشتر میان رقم بزهکاری واقعی و آمار بزهکاری ظاهری شده است. یک آمار غیررسمی از پزشکی قانونی حاکی است که از ۹۰ هزار سقط جنین سالانه در کشور حدود یک‌سوم آن بارداری ناخواسته است که به‌طور غیرقانونی دست به‌سقط جنین می‌زنند و در حدود بیش از نیمی از آنها دچار صدمات جسمانی و عوارض بدنی ناشی از غیربه‌داشتی بودن و یا عدم مهارت افرادی که به‌نوعی در آن دخالت داشته‌اند، می‌باشد که حتی در مواردی منجر به مرگ مادر نیز می‌گردد.

برآوردهای سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۰ از ۲۱۰ میلیون بارداری سالانه خبر می‌داد که ۵۰ میلیون آن به‌سقط جنین ختم می‌شود و ظاهراً ۲۰ میلیون آن به‌طور غیرقانونی و اغلب در شرایط اسفناک و غیراستاندارد در محیطی آلوده انجام می‌گیرد و جالب آنکه سهم کشورهای توسعه نیافته از این سقط‌های غیربه‌داشتی ۹۵ درصد است. کمیسیون بهداشتی مجلس در گزارشی اعلام کرد که انجام سقط جنین غیرقانونی در مراکز غیرتخصصی موجب بروز عوارضی نظیر باقی ماندن جفت در بدن، خونریزی مکرر، عفونت‌های شدید، بی‌حالی، افت فشار خون، انتقال هپاتیت و ایدز، سرطان رحم و اختلالات روانی همچون افسردگی شدید و اضطراب و حتی مرگ زنان خواهد شد.

پس بیراه نیست اگر گفته باشیم در این موارد شاهد بزه‌دیدگان مکرر و ثانویه هستیم. هنگامی که زن به‌اصرار همسر برای کورتاژ و انداختن جنین مجبور به تن دادن به‌خواسته او است و در حالی که هیچ جای مطمئن و قابل اعتمادی نیست که به‌او کمک کنند و یا مشاوره صحیحی به‌او بدهند و وقتی خود را تنها احساس می‌کند، مجبور می‌شود به‌افراد غیرمتخصص و کلاش روی آورد.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که نسل جوان آن بسیارند و هر خانوار حداقل یک فرد جوان دارد، در چنین کشوری که باید تمام سیاست‌های کلان آن جوان محور باشد، شاهد تورم و نبود مسکن با نرخ مناسب، بیکاری و عدم توزیع عادلانه ثروت در مناطق روستایی و در کنار آن مهاجرت‌ها و ناتوانی خانواده‌ها در تأمین حداقل نیازهای طبیعی فرزندان‌شان و فرار دختران دیگر مشکلاتی از این حیث سبب بالا رفتن سن ازدواج و گاهی مجرد همیشگی و از طرف دیگر تهاجم فرهنگی به‌انحای مختلف هستیم. این عوامل سبب روی آوردن دختران و پسران به‌روابط خارج از علقه زناشویی و تا حد دوستی بدون آنکه به‌ازدواج فکر کنند، منجر می‌شود به‌طوری که بعد از گذشت مدتی دوستی ساده به‌برقراری روابط جنسی و در نهایت حاملگی دختران می‌انجامد و از طرف دیگر با نگاه خاص جامعه به‌زنان و توقعات جنسیتی و حساسیت‌های فرهنگی در یک جامعه مذهبی و نگرانی و هراس از آبروریزی، چاره‌ای جز از بین بردن حمل به‌نظر نمی‌رسد.

نکته‌ای که نباید فراموش کرد اینکه شرایط بد اقتصادی و اجتماعی در این جرم هرچند نقش بسزایی دارد، اما این جرم فقط مخصوص یقه‌آبی‌ها نیست، بلکه آنها بیشتر در معرض این جرم قرار می‌گیرند. بر فرض مثال

روسی‌ها نسبت به سایر اقشار جامعه با توجه به وضعیت معیشتی که دارند احتمال باردار شدن آنها زیاد است پس می‌توان گفت این جرم مختص به طبقه خاصی از جامعه نیست و طبقه فرادست جامعه هم دست به ارتکاب این جرم می‌زند، با این تفاوت که نحوه تصمیم‌گیری و راهکارهایی که برای فرار از این بحران برمی‌گزینند با توجه به امکانات مالی و موقعیت اجتماعی که دارند آزادی عمل بیشتری را به آنها می‌دهد، به طوری که حتی با سفر به خارج از کشور به این مسئله خاتمه می‌دهند.

نکته‌ای که ذکر آن خالی از اشکال نیست، تغییر نوع نگاه‌مان نسبت به سقط جنین است، اگر به این پدیده با نگاهی غیرحقوقی بنگریم، آیا می‌توانیم از آن به‌عنوان یکی از ابزارهای کنترل جمعیت آن هم در کشوری که با بحران تراکم جمعیت روبروست یاد کنیم؟ آیا می‌توانیم از حمایت کیفری سقط جنین دست برداشته و از بار اخلاقی آن بکاهیم و بر آثار و فواید اجتماعی آن بیافزاییم؟ سقط جنین نه تنها به‌طور مستقیم می‌تواند سبب برقراری توازن و کنترل نرخ جمعیت شود، بلکه به‌طور غیرمستقیم عاملی برای توسعه روند اقتصادی - اجتماعی در عصری که جوامع و دولتمردان آن به دنبال ایجاد دولت رفاه و برقراری عدالت اجتماعی هستند، می‌باشد.

نگارنده اعتقاد دارد اگر قانونگذار با رویکردی فراتر از یک دید صرفاً حقوقی و سرکوب‌گرانه از آنچه او را در جرم انگاشتن سقط جنین مصمم ساخته احتراز کند و با نگاهی که از آبخور نظریات جرم‌شناسی بهره‌جسته، به آینده طفلی که والدین او قصد از بین بردن او را داشته‌اند و یا اصلاً مایل به تولد او نبوده و این فرزند به آنها تحمیل شده است واقع‌بینانه بنگرد، قانع خواهد شد که با سقط جنین برخوردی مدبرانه داشته باشد؛ چه بسیار کودکان در معرض خطر امروزی که والدین آنها تصمیم به اسقاط آنها در همان دوران جنینی داشته‌اند و هم‌اکنون به‌خاطر بی‌مهری و عدم علاقه والدین و نداشتن تربیت مناسب به کودکانی معارض با قانون مبدل شده‌اند، به طوری که در نظریه‌های پیشگیری زودرس و فردمدار علت بزهکاری به‌عادت و مجرمین حرفه‌ای امروز را شروع به بزهکاری یا ناسازگاری از دوران طفولیت برشمرده‌اند. علاوه بر این خانواده‌هایی که اعتقادات مذهبی محکم‌تری دارند و سقط جنین را گناه می‌دانند و حتی به‌خاطر ترس از قانون و مجازات تا زمان وضع حمل صبر می‌کند و سپس طفل خود را سر راه می‌گذارند بدون آنکه به آینده آن توجهی داشته باشند.

در امریکا طی تحقیقی که در سال ۱۹۹۹ به عمل آمد، نشان داد کودکانی که بر اثر سقط جنین به دنیا نیامده‌اند، اگر فرصتی برای زنده ماندن پیدا می‌کردند ۶۰ درصد احتمال داشت تنها با یکی از والدین خود زندگی کنند، ۵۰ درصد احتمال می‌رفت در فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم کنند و ۴۵ درصد ممکن بود در همان سال اول تولد در اثر بی‌توجهی مادر تلف شوند.^(۳۷)

در تحقیق دیگری در سال ۲۰۰۲ اعلام شد که قانونی کردن سقط جنین باعث کم شدن سوءرفتار و سوءاستفاده از کودکان شده است و در همین تحقیق ثابت شد که ناخواسته بودن کودک در رشد و طرز تفکر و زندگی وی تأثیر منفی می‌گذارد.^(۳۸)

در کشورهای لیبرال دموکراتیک که سیاست جنایی خود را بر اساس حقوق و آزادی‌های فردی و اعلامیه‌های حقوق بشر توسط سازمان ملل متحد ترسیم و ملاک خود را در تغییرات از بالا صرفاً بر اساس حریم خصوصی

افراد استوار کرده‌اند، به‌گونه‌ای که هر شخص نسبت به خودش از آزادی عمل کاملی برخوردار است و همچنین با تقسیم‌بندی اعمال انسان بدین شرح که در اعمالی که علیه خداوند هستند، اعمالی که بر علیه خود و اعمالی که بر علیه انسان دیگر می‌باشند بر همین مبنا معتقدند که فقط اعمالی که بر علیه انسان دیگر هستند را می‌توان جرم‌انگاری کرد و با جرم‌زدایی از اعمالی که ضرری به کسی نمی‌رساند و یا جرایمی که بدون بزه‌دیده هستند^(۳۹) توانسته‌اند تا حدودی نیازهای جامعه خود را مرتفع سازد؛ به‌طوری که استوارت میل، حق مداخله دولت در روابط افراد را در این می‌داند که اگر رفتاری بر آزادی‌های دیگری آسیب وارد کند دولت حق مداخله دارد^۱ و خارج از این دولت حق مداخله ندارد، بر همین اساس اقدام به جرم‌زدایی از سقط جنین کرده‌اند و حتی برخی فمینیست‌ها جرم‌انگاری از سقط جنین را خشونت علیه زنان برشمرده‌اند و به‌مبارزه علیه این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها می‌پردازند.

از دیگر دلایلی که می‌تواند قانونگذاری را در جهت جرم‌زدایی از سقط جنین رهنمود سازد، بی‌فایده بودن مجازات‌های پیش‌بینی شده نسبت به مجرمین آن می‌باشد، چرا که این‌گونه جرایم نشأت گرفته از غریزه‌های انسانی است که همیشه در انسان بیدار است و هیچ‌گاه حیاتی جدای از انسان نداشته و از سوی دیگر کسانی که مبادرت به سقط جنین و یا به‌نوعی کمک و یا دلالت به این رفتار می‌کنند، همچون مال‌خرهایی می‌مانند که تا زمانی که سرقت در جوامع ادامه دارد آنها نیز به‌حیات شغلی خود ادامه می‌دهند، حتی اگر مجازات آنها قصاص باشد به‌بیان دیگر شدت مجازات‌ها هم نتوانسته است اندیشه مجرمانه را در آنها نابود کند.

جدای از تمام آنچه گفته شد امروزه زنان با حضور در صحنه‌های تجاری و صنعتی و محیط‌های آموزشی و به‌طور کلی با حضور فعال در عرصه‌های مختلف جامعه و با توجه به‌اینکه بیش از نیمی از پیکره اجتماع را تشکیل داده‌اند و در فضای سیاسی فعلی در راستای طرح برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با جرم‌زدایی از سقط جنین این شرایط را برای آنها فراهم می‌آورد که با پایان دادن به حاملگی‌های ناخواسته و یا بدون برنامه‌ریزی و تصمیم قبلی و با تعیین زمان بچه‌دار شدن خود، فرصت بیشتری برای سرمایه‌گذاری در آموزش و کار و دیگر فعالیت‌های فردی و اجتماعی داشته باشند تا هم برای خود و هم برای جامعه مثمر‌تر باشند.

نتیجه‌گیری

یک نظام حقوقی موفق آن است که بر اساس یکسری اصول و مبانی نظری و با ترسیم پیش‌فرض‌هایی از حالات و رفتارهایی که محل نظم اجتماعی و یا تهدیدی برای آزادی‌های فردی به حساب می‌آیند، اقدام به جرم‌انگاری کند. با این توضیح که دو اصل را از نظر دور نداشته باشد اول، ایمان داشته باشد که مجازات، تنها و آخرین حربه برای مقابله با آن معضل است، به‌بیان بهتر تمام راه‌حل‌های موجود را ارزیابی کرده و به‌این نتیجه رسیده باشد که فقط واکنش کیفری می‌تواند منظور او را فراهم کند و دیگر آنکه عواقب این محدودیت قانونی و کارایی و کارکرد موفقیت آن را پیش‌بینی و یا حداقل با استفاده از نظریات مهندسی جرم‌شناسی میزان موفقیت آن را دنبال کند.

سقط جنین از زمره جرایمی است که دستگاه عدالت کیفری و پلیس از کشف آن عاجز هستند و حتی اگر هم موفق به دستگیری مجرم آن بشوند، از این جهت که بیشتر آنها زنان هستند و به‌دلیل برخورد ترحم‌آمیز و

سلحشورانهای که نسبت به این قشر از جامعه روا داشته می‌شود و از طرف دیگر کم بودن قبح اجتماعی آن و اینکه آن را دخالت در روابط زناشویی دیگران می‌دانند با کهنگیری و مسامحه نهاد کیفری روبه‌رو می‌شویم. پس باید گفت که مواد قانونی که سقط جنین را ممنوع و حتی برای آن مجازات قصاص را لحاظ کرده نه تنها قوانین مربوط به آن را بلکه کل قوانین کیفری را بی‌اعتبار داشته و با بالا بودن نرخ آن در جامعه، قانون مجازات را بسان مترسکی که دستش برای حیوانات رو شده تبدیل کرده است و تأسف بر جامعه‌ای که قوانین کیفری و دستگاه عدالت کیفری آن خوار شود!

علاوه بر آنچه گفته شد مجرمینی که به‌خاطر سقط جنین برچسب خورده‌اند، بسیار خشمگین شده و هنگامی که افراد بسیاری را نظاره می‌کنند که اقدام به این عمل کرده و به‌خاطر خصوصیات این جرم تحت تعقیب دستگاه کیفری قرار نمی‌گیرند آن وقت است که نسبت به عدالت کیفری شک می‌کنند.

طی یک گزارش غیررسمی هر ماه پانزده جنین در زباله‌های شهر تهران پیدا می‌شوند، جالب آنکه جایزه دومین مسابقه عکاسی مطبوعاتی - خبری سالانه به‌عکسی تعلق گرفت که جنینی را در یکی از جوی‌های پر رفت و آمد تهران نشان می‌داد.

تمام اینها حکایت از شکست سیاست جرم‌انگاری سقط جنین و کلاً قانون مجازات دارد که نتوانسته است رویکردی متناسب با تحولات جامعه در برخورد با این انحراف داشته باشد. در این قلم‌فرسایی نظر بر این داشتیم تا به‌حمایت از یکی از حقوق زنان نه با این ادعا که جرم‌انگاری از سقط جنین را یک رویکرد اتوریته مردسالار بدانیم و نه با این مضمون که بخواهیم از آن دفاع کرده باشیم، بلکه به‌منظور پیشگیری از عوارض و مشکلات مختلفی که طی مقاله مرقوم داشته شد، بوده‌ایم البته شایان ذکر است که می‌توانیم با تحریک احساسات والدین آنها از طریق نمایش دادن جنینشان از طریق سونوگرافی، آنها را از این عمل بر حذر داریم.

با تصویب لایحه قانونمند کردن سقط جنین درمانی در روز سه‌شنبه ۸۳/۴/۳۰ در مجلس مبنی بر بیماری جنین یا ناقص‌الخلقه بودن آن پس از ولادت چنانچه موجب حرج والدین یا طفل شود اگر با رضایت والدین و سه پزشک و تأیید پزشکی قانونی باشد اجازه سقط عمد به‌والدین آنها داده می‌شود. نوید آن می‌رود که قانونگذار ما با تعدیل جرم‌انگاری مطلق و با نیم‌نگاهی به‌قانونمندسازی و در نهایت جرم‌زدایی از این پدیده داشته و دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اردبیلی، محمدعلی، **تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴، صص ۶۶-۶۴.
۲. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی**، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هجدهم، ۱۳۶۲، ص ۶۲۲.
۳. قضایی، صمد، **پزشکی قانونی**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸، صص ۵۳۷-۵۳۶.
۴. پاد، ابراهیم، **حقوق کیفری اختصاصی**، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، صص ۶۲-۷۰.
۵. ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸.
۶. محقق حلّی، **شرع الاسلام**، ترجمه ابوالقاسم یزدی، دانشگاه تهران، جلد چهارم، ۱۳۶۴، صص ۲۸۳-۲۸۴.
۷. صادقی، محمد هادی، **حقوق جزای اختصاصی (۱)**، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۶۹.
۸. اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، نشر میزان، تهران، چاپ هفتم، جلد اول، ۱۳۸۲، صص ۱۸۳-۱۸۲.
۹. هاشمی، محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، نشر دادگستر، تهران، چاپ پنجم، جلد دوم، ۱۳۸۰، صص ۴-۱.
۱۰. **قرآن کریم**، (و احی الی هذا القرآن لا نذرکم به و من بلغ (انعام/۱۹)).
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **مباحثی در علوم جنایی**، کپی جزوات درسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳، صص ۲۶۹-۲۶۵.
۱۲. رایجیان اصل، مهرداد، **بزه دیده‌شناسی حمایتی**، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۲۶-۱۹.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، صص ۲۱۳۲-۲۱۳۸.
۱۴. عباسی، محمود، **سقط جنین**، انتشارات حقوقی، تهران، چاپ اول، ص ۷.
۱۵. آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، ۱۳۸۰، صص ۶۳.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و بادامچی، ۱۳۸۳، ص ۸۰.
۱۷. عباسی، محمود، **سقط جنین، انتشارات حقوقی**، تهران، چاپ اول، صص ۱۴-۱۵.
۱۸. آشوری، محمد، **عدالت کیفری**، گنج دانش، تهران، چاپ اول، مجموعه مقالات، ۱۳۸۴، صص ۱۰۱-۹۹.
۱۹. عباسی، محمود، **پیشین**، صص ۱۷-۱۸.
۲۰. **همان**، ص ۵۸.
۲۱. **همان**، ص ۶۲.
۲۲. افتخاری، **سایت حقوق**، دوشنبه، ۱۴ اسفند ۱۳۸۵، ص ۳.
۲۳. جمعی از نویسندگان، گزارش جرم‌زدایی اروپا، انتشارات سل‌سبیل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۳.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۱، ص ۶۲.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **علوم جنایی**، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، صص ۵۹۲-۵۷۰.
26. GRUBER J. LEVINE P . STAIGER . D (1999) “ ABORTION LEGALIZATION AND CHILD LIVING CIRCUMSTANCE : WHO IS THE MARGINAL CHILD “ ? THE QUARTERLY JOURNAL OF ECONOMICS FEBRUARY
27. BITLER.J.JZAVONDY/M.(2002-3)”CHILD ABUSE AND ABORTION AVAILABILITLY “WOMEN CHILDREN AND LABOR MARKET, VOL 2 , NO.2, MAY 363-367
۲۸. حسینی، سید محمد، رابطه مفهوم شرعی گناه و مفهوم حقوقی جرم، **مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری**، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، صص ۶۵۰-۶۵۵.
۲۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر، درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم‌انگاری، نامه مفید، دانشگاه مفید، شماره ۱، جلد ۱، ۱۳۸۴، صص ۵-۸.